

جهانی شدن اقتصاد

فرصت‌ها و چالش‌های تازه‌ای در پیش دارد

اشاره:

با حضور بیش از یکصد و چهل کشور جهان در سازمان جهانی تجارت و پابندی آنها به توافقنامه‌های حاصل از گفت‌وگوهای دور اروگوئه، بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی بر پایه مقررات نوین تجاری مبتنی بر رفع سیاست‌های حمایت‌گرایانه و تبعیضات تجاری (حذف موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تدریجی تعرفه‌های گمرکی)، روند جهانی شدن اقتصاد در قرن بیست و یکم با شدت و حدت بیشتر به پیش می‌رود.

با وجود چالش‌های جدیدی که فراروی تازه‌واردان به نظام تجارت جهانی قرار دارد، اما به نظر می‌رسد حرکتی که آغاز شد، به عقب برگردد، بلکه تلاش‌های بین‌المللی در راستای رفع موانع تازه بروزیافته شکل خواهد گرفت و به مسایلی نظیر حفاظت از نیروی کار و ملاحظات زیست‌محیطی به گونه‌ای مناسب پاسخ خواهد داد و بحران‌های اقتصادی را با همکاری و یکپارچگی بیشتر کشورهای تحت کنترل در خواهد آورد.

در این فرآیند روبه پیش جهانی شدن اقتصاد، آن گروه از کشورها که از حضور در جامعه بین‌المللی اجتناب می‌ورزند، در نهایت منزوی خواهند شد، زیرا که بازارهای بین‌المللی هر روز بیش از گذشته تحت سیطره مشارکت‌کنندگان در نظام نوین تجارت جهانی قرار خواهند گرفت و دستیابی به بازارها برای کشورهای غیرعضو دشوارتر خواهد شد. از سوی دیگر اجتناب و امتناع از مشارکت در نظام تجارت جهانی موجب خواهد شد که انگیزه انجام اصلاحات ساختاری در درون مرزهای ملی تخفیف پیدا کند و در نهایت رفاه عمومی مردمی که در این گونه کشورها زندگی می‌کنند، تنزل خواهد یافت.

در این مقاله به بررسی تحولات سیر جهانی شدن اقتصاد و چالش‌های فراروی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه می‌پردازیم.

| | | |
|---|---|---|
| طبق تعریف صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن اقتصاد به رشد وابستگی‌های اقتصادی متقابل کشورها در سطح جهان منجر می‌شود که این امر به لحاظ گسترش تعداد و تنوع معاملات بین‌مرزی کالاها، خدمات و جریان‌های سرمایه | بین‌المللی و نیز گسترش سریع فناوری صورت خواهد گرفت. پیشرفت‌های فناوری، هزینه‌های معاملاتی را به سرعت کاهش می‌دهد و همزمان به تغییرات ساختار بین‌المللی منجر می‌شود. با ایجاد تلاش‌های بین‌المللی در زمینه | آزادسازی تجاری، رشد تجارت جهانی تسریع می‌شود و لذا اثرات خارجی نوآوری‌های فناوری که به رشد تجارت بین‌المللی منجر می‌شود، منبع عمده رشد تولید جهانی است. به عقیده برخی کارشناسان، توسعه فناوری (تکنولوژی)، موتور |
|---|---|---|

جهانی شدن اقتصاد در دنیا محسوب می‌شود. نظریه پردازان جدید تجارت از یک سو اثرات خارجی فناوری را مهمترین عامل در شکل‌گیری ساختار تجارت و فرآیند تخصیص در سطح بین‌المللی قلمداد می‌کنند و از سوی دیگر به شکاف فناوری میان کشورهای صنعتی و در حال توسعه که منبع تجارت جهانی است، توجه دارند.

از این رو آنها عقیده دارند که مخارج تحقیق و توسعه در کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت و در همین حال اشاعه مستمر اطلاعات از کشورهای صنعتی به دیگر کشورها کمتر خواهد شد. البته جهانی شدن اقتصاد، صرفه‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های جهانی را با ایجاد فرصت‌ها و چالش‌های جدید فراهم خواهد ساخت. با این وصف فرآیند توسعه فناوری و روند اشاعه آن در جهان و سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی، آثاری را بر روند جهانی شدن اقتصاد و نیز روند توسعه اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه بر جای خواهد گذارد.

کارشناسان عقیده دارند که کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به فناوری روز و تقویت بنیه رقابت خود در بازارهای جهانی جهت کسب سهم عادلانه در نظام تجارت جهانی نیازمند سرمایه‌گذاری وسیع‌تر

در بخش‌های تحقیق و توسعه و جذب سرمایه‌گذاری و فناوری روز هستند و لذا به تغییر اصلاحات ساختاری و مقررات‌زدایی برای بهره‌جویی از فرصت‌های تجاری مبتنی بر فناوری‌های نوین نیاز دارند. البته روند توسعه دمکراسی در جوامع در حال رشد و مقررات‌زدایی در عرصه اقتصاد و تجارت الزامی است که آنها را تا حدودی از حمایت صنایع داخلی و سیاست‌های حمایتی بازرگانی بازمی‌دارد و لذا خسارت‌هایی در این زمینه به ویژه در کوتاه و میان‌مدت برای تولیدات داخلی قابل تصور است. اما روند اصلاحات در بخش کلان اقتصادی و نیز در سطح شرکت‌های کوچک و متوسط الزامی است که پاسخگویی مناسب به آن می‌تواند بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری آینده را تسهیل کند.

در این راستا توجه ویژه و تمرکز بر نقش سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم و مشارکتی) در جهانی شدن اقتصاد، ضرورتی غیرقابل انکار است. دکتر سیدعلیرضا کازرونی، دانشیار گروه اقتصادی دانشگاه تبریز در مقاله خود با عنوان «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهانی شدن اقتصاد» که در «همایش جهانی شدن اقتصاد» در بهمن ماه گذشته ارائه شد، عنوان کرده است که در دو دهه اخیر یکی از مؤلفه‌های اصلی

تأثیرگذار بر روند توسعه جهانی شدن اقتصاد، تشدید جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده که از طرف شرکت‌های فراملیتی بر اساس مزیت‌های خاص مکانی و مزیت‌های خاص درون‌سازی صورت گرفته است.

وی می‌افزاید: بررسی سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان، نشانگر روند صعودی این تأثیر القایی در ادغام اقتصادهای ملی است. به طوری که این سهم در بخش صنعت به سرعت از ۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲۱/۶ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است.

آزادسازی چارچوب سیاست جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای جهان را باید به عنوان یکی از نیروهای مهم در این فرآیند تلقی کرد. به علاوه هر قدر کشوری از سیاست برون‌گرایی بالاتری برخوردار باشد، نرخ رشد اقتصادی بالاتر و درجه شراکت و رقابت‌پذیری بیشتری در بازارهای بین‌المللی کالا و خدمات را دارا بوده و قابلیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری دارد.

به گفته وی، تجربیات کشورهای شرق آسیا و ایران نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات صنعتی وجود دارد.

کشورهای شرق آسیا در دو دهه گذشته با باز کردن اقتصاد خود به روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توانستند از رشد سریع‌تر اقتصادی و گسترش صادرات بهره‌مند شوند. نمونه بارز آنها چین است که ظرف سال‌های اخیر توانسته بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کند و ارزش صادرات خود را به بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار در سال برساند. در مقابل ایران با درون‌گرایی بیشتر، اتخاذ راهبردهای جایگزینی واردات و مقررات دشوار و نفوذناپذیر در برابر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از رشد نازل اقتصادی و صادرات غیرنفتی سالانه ۳ تا ۴ میلیارد دلار برخوردار بوده است.

کارکرد شرکت‌های فراملیتی در جهانی شدن اقتصاد نشان می‌دهد که اولاً با افزایش ظرفیت تولیدی کشور میزبان، آن را آماده ادغام در نظام اقتصاد بین‌الملل از طریق افزایش مبادلات کالا نموده است. داده‌های آماری نشانگر روند صعودی نقش شرکت‌های فراملیتی در صادرات کشورهای میزبان است، به طوری که رابطه مثبتی بین ذخیره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات در سطح جهانی وجود دارد.

با این وصف، کشورهای در حال توسعه در صورت تمایل به ایفای

نقش مؤثرتر در نظام اقتصاد جهانی، نیازمند باز کردن اقتصادشان به روی سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم هستند. این امر مزایای درخور توجهی برای آنها به ارمغان خواهد آورد. اول آنکه سرمایه‌گذار مستقیم خارجی با شناسایی مزیت‌های نسبی موجود در کشور میزبان و مزیت‌های قابل خلق اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند و لذا زمینه بهره‌گیری بهینه از منابع داخلی کشور میزبان فراهم می‌شود. از سوی دیگر زمینه افزایش فرصت‌های شغلی و مهارت‌های کاری و نیز آشنایی با فناوری‌های نوین و جذب آن برای منابع انسانی و فعالان اقتصادی کشور میزبان فراهم می‌شود. در همین حال با رشد تولید ملی، زمینه گسترش صادرات و کسب سهم بیشتر در تجارت جهانی برای کشور میزبان فراهم می‌شود.

کارشناسان با اشاره به محدودیت‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه در زمینه تأمین مالی توسعه، عقیده دارند که حرکت به سوی ادغام در فرآیند جهانی شدن اقتصاد این فرصت طلایی را برای کشورهای یادشده فراهم می‌سازد که با سهولت بیشتر و تمهیدات خارجی کمتر تأمین مالی طرح‌ها را عملی سازند و به روند توسعه اقتصادی خود شتاب بیشتری بدهند. از سوی

دیگر با افزایش صادرات این کشورها، نقش و جایگاه آنها در عرصه رقابت بین‌المللی تقویت خواهد شد و به یکی از مشکلات اساسی این کشورها که رشد جمعیت و ضرورت ایجاد اشتغال برای نیروی کار است، پاسخ مناسب می‌دهد.

به تازگی خبری در خصوص چرخش فعالان اقتصادی و منابع انسانی چین به سوی شرکت‌های چینی در رسانه‌های جمعی انتشار یافت. به عبارت دیگر نیروی کار چین که در فعالیت با شرکت‌های خارجی به مهارت‌های لازم دست یافته، اکنون به سوی فعالیت در شرکت‌های چینی تمایل یافته و رشد سریع اقتصادی چین نیز امکان جابه‌جایی نیروی کار را در این کشور فراهم ساخته است. این امر در نهایت به رشد تقاضای شرکت‌های خارجی فعال در چین برای استفاده از نیروی کار ماهر می‌انجامد و به افزایش دستمزدها و ارتقاء رفاه مردم می‌انجامد. از سوی دیگر شرکت‌های چینی با بهره‌گیری بیشتر از نیروی متخصص فرصت بیشتری برای ارتقای کارایی خود در اختیار خواهند داشت. به توسعه آتی آنها کمک بسزایی خواهد داشت و نقل و انتقال فناوری را تسهیل خواهد کرد.

دکتر کازرونی در مقاله خود تصریح می‌کند: توصیه‌های

سیاست‌گذاری در مورد ایران که از سهم ناچیزی از صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار بوده در این فرآیند جهانی شدن در حاشیه قرار دارد. این است که توسل به یک سلسله اصلاحات ساختاری از قبیل آزادسازی تجارت خارجی و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اصلاحات مالیاتی و قوانین کار، تضمین سرمایه و انتقال سود حاصله از ایران و شفافیت سیاست‌های جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به جذب سرمایه‌گذاری‌های یادشده و در نتیجه افزایش صادرات غیرنفتی مبادرت کند تا بتواند سهم بایسته خود را در این جهانی شدن اقتصاد به نفع اقتصاد ملی کسب کند.

جهانی شدن اقتصاد بر بازارهای پولی و مالی نیز اثرگذار است. اثرات جهانی شدن اقتصاد بر گسترش روزافزون جریان‌های مالی که آثار بیاری بر سیاست‌های پولی و ارزی اقتصادهای ملی دارد، درخور توجه است. بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ که از تایلند آغاز شد و به دیگر کشورهای آسیایی نیز سرایت کرد، یکی از مشاهدات عمده در این زمینه است که بر روند رشد اقتصادی و تجارت خارجی کشورهای درگیر بحران آثار منفی بجاگذارد. آثار بحران‌های مالی در روسیه، ترکیه،

برزیل و آرژانتین نیز درخور توجه بوده است.

تبعات جهانی شدن اقتصاد در حوزه بازارهای مالی به شکل گسترش نقل و انتقالات مالی میان کشورها و آزادسازی سرمایه‌های مالی از طرف کشورها مشاهده می‌شود. طی دو دهه گذشته جریان تجارت جهانی از ۲۰ به ۳۰ درصد ارزش تولید ناخالص جهان افزایش یافته، اما در همین دوره زمانی جریان سرمایه بیش از دو برابر افزایش داشته و از ۵ به ۱۳ درصد ارزش تولید ناخالص جهان رسیده است.

مطالعات انجام شده حاکی است طی دو دهه گذشته نسبت صادرات کالاهای جهانی به تولید جهانی از ۱۰ درصد به ۲۰ درصد و تجارت خدمات از ۱۵ درصد به ۲۲ درصد رسیده است.

با توجه به تحولات بازارهای پولی و مالی تحت‌تأثیر جهانی شدن اقتصاد، با وجود آنکه تمایل زیاد به آزادسازی بازارهای مالی برای بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری وجود دارد، لیکن مجامع پولی و مالی بین‌المللی نیازمند اتخاذ راهبردهای مناسب برای پیشگیری و نیز ممانعت از گسترش بحران‌های مالی از یک نقطه به سایر نقاط جهان است. در این زمینه منابع مالی بین‌المللی، همکاری و همیاری کشورهای متعهد به روند

جهانی‌سازی در تأمین مالی به هنگام را مطالعه می‌کنند. هر چند که در بحران‌های مالی شرق آسیا، روسیه و... در اواخر دهه گذشته شاهد تزریق میلیاردها دلار به اقتصاد کشورهای درگیر در بحران بودیم، اما می‌بایست دقت داشت که سرمایه‌گذاران بین‌المللی اوضاع و شرایط اقتصادی را به خوبی درک کرده و برای امنیت منابع سرمایه‌گذاری خود واکنش نشان می‌دهند. این واکنش ممکن است در پاره‌ای موارد به لحاظ ضعف ساختار اقتصادی کشور میزبان به زیان آن کشور تمام شود و فرار سرمایه‌ها را به دنبال داشته باشد که این امر در رکود اقتصادی و تجاری اثر مستقیم بجا می‌گذارد. با این وصف اتخاذ راهبردهای مناسب از سوی مجامع پولی و مالی بین‌المللی الزامی است و در همین حال تعهد دولت‌ها به انجام اصلاحات ساختاری برای آزادسازی بازارهای پولی و مالی و نیز بازارهای کالایی ضرورتی غیرقابل انکار است. نمی‌توان به صرف احتمال بروز بحران مالی، از فرصت‌های ارزشمندی که آزادسازی بازارهای پولی و مالی برای رونق فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سهم در تجارت جهانی فراهم می‌آورد، چشم‌پوشی کرد. بنابراین کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه می‌بایست با انجام اصلاحات ساختاری ضمن توجه به تهدیدهای احتمالی از

فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در راستای تقویت بنیه رقابت اقتصاد ملی و رشد سریع‌تر اقتصادی بهره‌جویند.

بحران‌های مالی که اغلب با فرار سرمایه‌ها همراه است، منابع مالی را از اقتصاد ملی بیرون می‌کشد و به سرعت بخش‌های تولیدی را با کمبود منابع و رکود فعالیت مواجه می‌سازد. در این زمینه تعهدات بخش دولتی نسبت به بازسازی و احیاء شرکت‌های متوسط و کوچک و کمک بین‌المللی برای رونق‌بخشی به اقتصادی درگیر بحران الزامی است.

یک اثر دیگر جهانی شدن اقتصاد که بر تجارت نیز سایه دارد، رشد بخش خدمات است. با توجه به آنکه مفهوم جهانی شدن به معنای یک واقعیت غیرقابل انکار و آزادسازی به عنوان یک سیاست پذیرفته شده است، پدیده جهانی شدن و سیاست آزادسازی بخش خدمات را نیز درگیر کرده است. در موافقتنامه‌های دور اروگوئه برای نخستین بار آزادسازی از حیطه تجارت کالایی فراتر رفت و بخش خدمات را نیز دربرگرفت. خدمات بانکداری، بیمه، ارتباطات راه دور در سایه جهانی شدن اقتصاد، به شکوفایی و رشد سریعی رسیده‌اند و به همان میزان توانسته‌اند بخش تجارت کالایی را تهیل نمایند.

فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری که از طریق روش‌های نوین تجارت (تجارت الکترونیکی) در دسترس فعالان اقتصادی قرار گرفته، بدون خدمات با کیفیت و سرعت مناسب نمی‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از این رو آزادسازی بخش خدمات (بانکداری، بیمه و ارتباطات راه دور) کمک مؤثری به رونق تجارت کالایی نیز کرده. هر چند که توسعه این بخش خود فرصت‌های جدیدی را برای علاقه‌مندان به فعالیت در آن ایجاد کرده است.

بخش خدمات مالی در کشورهای در حال توسعه هنوز از روش‌های سنتی و ناکارآمد پیروی می‌کند و از این رو مقاومت‌های وسیعی از سوی کشورهای در حال توسعه در جریان گفت‌وگوهای دور اروگوئه برای محدود کردن روند آزادسازی بخش خدمات صورت گرفت. اما این کشورها به لحاظ عقب‌افتادگی از فرآیندهای نوین خدمات، خود قادر نیستند خدمات موردنیاز بخش تجارت کالایی و گردش سرمایه را ارائه کنند و لذا نیاز به اصلاحات اساسی در این بخش دارند. فرصتی که توافقنامه دور اروگوئه برای آزادسازی بازار خدمات کشورهای در حال توسعه ارائه کرده است، می‌بایست مورد بهره‌برداری قرار گیرد

و عقب‌ماندگی‌ها به سرعت جبران شود.

خدمات مالی با کیفیت بهتر و هزینه کمتر، خود امتیازی برای گسترش تجارت جهانی و رفاه بیشتر مصرف‌کنندگان در سراسر دنیا محسوب می‌شود، زیرا خدمات مالی بخشی از قیمت تمام شده کالاها را تشکیل می‌دهد و در بنیه رقابت شرکت‌ها اثر مستقیم دارد. با این وصف اتخاذ راهکارهای مناسب برای تقویت بخش خدمات در رقابت‌پذیری آن در عرصه بین‌المللی، خود فرصتی برای ایجاد اشتغال مولد و گسترش سهم در تجارت مرئی و نامرئی جهان است.

در نهایت باید گفت، جهانی شدن فرآیندی غیرقابل انکار است که تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را دربر خواهد گرفت و کشورهای در حاشیه چنانچه نتوانند راهبردهای مناسب برای انجام اصلاحات ضروری در بخش‌های مختلف اقتصادی را عملی سازند، در عمل فرصت‌های رقابت در آینده و سهم در تجارت جهانی را از دست خواهند داد و بر مشکلات آنها افزوده خواهد شد.

